



اولین ازدواج

ازدواج رابطه ای است که خدا فراهم کرده است. به همین پیوستن یک زن و مرد تا زمانی که زنده هستند ازدواج نزدیک ترین رابطه هر انسانی است. در ازدواج شوهر و همسرش می توانند به همراه هم معنای واقعی عشق مسیحی و بخشش را یاد بگیرند همانطور که با گذشت در کنار هم زندگی می کنند. خدا حوا را به عنوان همسر برای آدم خلق کرد بنابراین آدم و حوا اولین زوج مزدوج بودند پس قانون ازدواج از همان آغاز گذاشته شده است. (پیدایش ۲و۱)

قوانین ازدواج

از پیدایش، باب ۲، آیه ۱۸ و آیات ۲۱ تا ۲۴ یاد می گیریم که ازدواج یک تعهد جدی و رسمی است. پس از خلق زن خدا او را نزد مرد آورد (پیدایش، باب ۲، آیه ۲۲) مسیح در متی، (باب ۱۹، آیه ۵) به طور واضح بیان می کند که خدا کلمات باب ۲، آیه ۲۴ را به آدم و حوا گفت. قطعاً خدا کسی بود که اولین ازدواج را رسمی کرد. ترتیب کلمات خدا به آدم و حوا در آیه ۲۴ بسیار مهم است. او گفت ۱-مرد پدر و مادر خود را ترک می کند. ۲- به همسر خود می پیوندد. ۳- مرد و زن باید یک تن شوند. حال به هر یک از این موارد با دقت بیشتری نگاه می کنیم.

- ۱- خدا گفت زمانی که یک مرد و زن تصمیم به ازدواج می گیرند مرد باید والدین خود را ترک کرده و با همسر خود زندگی کند. این بدین معنی نیست که باید والدین را نادیده بگیرند بلکه نشان می دهد که همسر اکنون مهمترین شخص خانواده اش است و در درجه اول اهمیت باید به او اختصاص داده شود. اگر چه این امر در مورد زنان نیز صدق می کند. ولی در مورد آدم و حوا که پدر و مادری نداشتند صادق نیست. پس کاملاً واضح است که پیدایش باب های ۱ و ۲ قوانینی است که خدا برای ازدواج و برای همیشه نهاده است.
- ۲- مرد باید به همسر خود پیوندد. منظور از این جمله رابطه جنسی نیست. بلکه نزدیکی در افکار، اهداف و تمام کارهایی است که می خواهند انجام دهند. و باید چنان جدایی ناپذیر باشند که انگار به هم چسبیده اند خدا زن را آفرید تا معاونی موافق مرد باشد آنها قرار بود شریک زندگی هم شوند. به هم اهمیت داده و به خدا خدمت کنند. یک مرد و شریک زندگی آینده اش باید اولویت های خود را قبل از متعهد شدن در قالب ازدواج درک کنند.
- ۳- مرد و زن قرار بود یک تن باشند. این امر مربوط به یگانگی جنسی است و در آخر می آید. (اول قرتیان باب ۶ آیه ۱۶) تنها زمانی که آنها به یکدیگر برای زندگی متعهد شدند و به هم پیوستند می توانند رابطه جنسی داشته باشند. حوا از دنده آدم خلق شده بود و به معنای واقعی کلمه یک تن بودند و حال با رابطه جنسی این نزدیکی تازه می شود. راه خاصی است که یک مرد و زن می توانند نزدیکی مطلق و وحدانیت در عشق را احساس کنند. این امر نشان می دهد که رابطه آنها باید آنقدر نزدیک باشد که احساس کنند بخشی از یکدیگر هستند. این آموزه مستقیم خدا با روابط جنسی مردان و زنان امروزه کاملاً مغایرت دارد چون آنها حقیقتاً همسر خود را نشناخته و هیچ تعهدی به زندگی و رابطه طولانی ندارند. در پیدایش باب ۱ آیه ۲۸ خدا به آدم و حوا برکت داد و به ایشان گفت: "بارور و کثیر شوید". ازدواج سرشار از عشق و امنیت در بین دو ایماندار بهترین محیط را که یک بچه می تواند در آن رشد کند و خدمت به خدا را یاد بگیرد فراهم می کند. (ملاکی باب ۲ آیه ۱۵) بنابراین از همان آغاز هدفش را برای ازدواج گذاشت او می خواهد که مرد و زن با یکدیگر زندگی کرده و در تمام مراحل زندگی به همدیگر کمک کنند. او می خواهد که هر دو به عنوان شریکان معنوی در خدمت به خدا با یکدیگر تلاش کنند. اگر برکت فرزندان به آنها داده شد آنها را نیز به راه عشق و خدمت به خدا بیاورند. ازدواج یک راه مناسب برای داشتن یک خانه دار بی مزد و یا پیدا کردن مردی که مراقب شما باشد نیست. ازدواج بسیار فراتر از زندگی یک زن و مرد با یکدیگر است.

ازدواج پیوند یک مرد و یک زن برای زندگی است (متی باب ۱۹ آیات ۴ تا ۶)

ازدواج مسیحی

همانطور که خدا ازدواج آدم و حوا را هدایت کرد یک زوج مسیحی نیز باید در حضور خدا به هم پیوندد. عهد ازدواج آنها باید در حضور خدا و شاهدان انسانی (اقوام و دوستان) باشد. عهد آنها باید منعکس کننده آرمان خدا باشد. خداوند هرکس که قصد شکستن وحدانیت ازدواجی که او برکت داده است را داشته باشد، منع می کند: "آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد." (متی باب ۱۹ آیه ۶) اول قرتیان باب ۷ آیه ۳۹ می گوید: "زن مادامی که شوهر زنده است بسته است". البته زمانی که یکی از شریکان ازدواج بمیرد شریک باقی مانده می تواند دوباره ازدواج کند. (رومیان باب ۷ آیه ۲ و ۳)

یافتن زن و شوهر

کتاب مقدس یک دستور کاملاً واضح داده است. که وقتی یک پیرو مسیح، شریکی برای ازدواج انتخاب می کند باید از آن پیروی کند.

ایمانداران تعمیدی بهتر است با ایمانداران تعمیدی ازدواج کنند.

هدف راستین ازدواج تنها زمانی بدست می آید که هر دو شخص متعلق به خدا باشند. برای زندگی در کنار هم به عنوان شریکان معنوی و همانند "وارث فیض نجات" باشند (اول جطرس باب ۱۳ آیه ۷) زن و شوهر باید ایمان و عشق مشابهی را نسبت به خدا به هم داشته باشند پولس این امر را خیلی واضح بیان میکند که یک ایماندار نباید با غیر ایماندار ازدواج کند: "زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان نشوید زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت. و نور را با ظلمت چه شراکت است و مسیح را با بلیعال چه مناسبت و مومن را با کافر چه نصیب است." (دوم قرتیان باب ۶)



ایه ۱۴ و ۱۵). "زن مادامی که شوهرش زنده است بسته است اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هر که بخواهد منکوحه شود لیکن در خداوند فقط." (اول قرنتیان باب ۷ آیه ۳۹). یک شریک بی ایمان می تواند ما را از خدا دور کند همانند اتفاقی که برای سلیمان افتاد (اول پادشاهان باب ۱۱ آیه ۱ تا ۱۱ آیه ۱۱) گاهی پیدا کردن شریکی که ایمان مشابه داشته باشد سخت است برخی از افراد که در این شرایط هستند توان مجرد ماندن را دارند. (متی باب ۱۹ آیه ۱۰ تا ۱۲). و هیچ ایرادی هم بر آن نیست (مسیح نیز مجرد ماند). برخی دیگر شاید بخواهند کسی را پیدا کنند که آمادگی یادگیری حقیقت انجیل را داشته باشد اما زمانی میتواند ازدواج کنند که آن شخص نجات خدا را پذیرفته و تعمید گرفته باشد انتخاب یک شریک باید به عنوان موضوعی در دعاها به آن پرداخته شود.

ازدواج ایمانداران باید مسیح و کلیسای راستین را نشان دهد

همانطور که تعمید نمادی از اتفاق بزرگتری است (مرگ و برخاستن مسیح) ازدواج نیز نمادی است. رابطه بین زن و مرد باید نشاندهنده رابطه بین مسیح و کلیسا باشد: "ای شوهران زنان خود را محبت نمایند چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویش را برای آن داد. تا آن را به غسل آب بوسیله کلام ظاهر ساخته تقدیس نماید تا کلیسای مجید را به نزد خود حاضر سازد که لکه و چین یا هر چیز مثل آن نداشته باشد بلکه تا مقدس و بی عیب باشد به همین طور باید مردان زنان خویش را محبت مینماید. زیرا هر کس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه انرا تربیت و نوازش میکند. چنانکه خداوند نیز کلیسا را. از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود. این سر عظیم است لیکن من در باره مسیح و کلیسا سخن میگویم. خلاصه هر یکی از شما نیز زن خود را مثل نفس خود محبت بنمایید و زن، شوهر خود را باید احترام نمود" (افسیسیان، باب ۵، آیات ۲۵ تا ۳۳). شوهر باید همانگونه که عیسی مسیح عاشق ایمانداران بود و به آنها اهمیت می داد عاشق همسر خود باشد و به او اهمیت بدهد به طور مشابه زن نیز باید عشق بورزد، احترام بگذارد و همانند ایمانداران واقعی که از عیسی مسیح و نجات دهنده خود اطاعت می کنند از شوهر خود اطاعت کند. آیه ۲۳ در ادامه می گوید: "زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بدن است." این نمادها به ما کمک می کند که نقش متفاوت زن و شوهر را درک کنیم.

نقش شوهر در زندگی

یک شوهر مسیحی و یک زن وفادار مسیحی برکت های بزرگی برای یکدیگر و خانواده هستند و همینطور برای کسی که او را پرستش می کنند. شوهر باید در عشق فارغ از خود باشد همانند مثال مسیح برای کلیسا (ایمانداران واقعی). همانطور که عیسی مسیح سر کلیساست شوهر نیز باید سر همسرش باشد. این بدین معنا نیست که شوهر اجازه دستور به زن را داشته باشد و یا انتظار انجام هر کاری بر میل او را داشته باشد. مسیح اینگونه با ایمانداران برخورد نمی کرد. اگرچه سرورشان بود و سر شاگردان بود همانند یک خدمتگذار رفتار می کرد تا به آنها درس فروتنی دهد (لوقا، باب ۲۲، آیه ۲۷). او احتیاجات دیگران را بر احتیاجات خود مقدم می شمرد. این نصیحت پطرس بود: "و همچنین ای شوهران با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیف تر زنانه، و ایشان را محترم دارید چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهای شما بازداشته نشود. (اول پطرس، باب ۳، آیه ۷) و سر خانواده بودن به این معناست که شوهر باید هدایت گری مثبت باشد اما در عین حال در تمامی تصمیمات مهم با همسر خویش مشورت کند. شوهر باید بیشتر از همه خانواده را برای پرستش و آموزش هدایت کند. ابراهیم نیز همین کار را کرد. (پیدایش، باب ۱۸، آیه ۱۹). بدین طریق شوهر ایماندار باید خود را سر خانواده بداند و مسئولیت زندگی در حضور خداوند بر شانه های او باشد. او باید خانه خود را همانند کلیسای جایی که خدا جلال یافته بسازد. در بعضی از کشورها زنان اکثر کارهای سخت خانواده را انجام می دهند. ازدواج مسیحی شراکت است و همسر نیز باید شریک کارهای زن و خانواده باشد او باید همچون "ظروف ضعیفتر زنانه" او را محترم شمارد. (اول پطرس، باب ۳، آیه ۷). و او باید همانقدر که به خودش محبت می کند به زوجه خود هم محبت کند. (افسیسیان، باب ۵، آیه ۲۸) این شراکت معنوی و کاربردی تجربه شیرینی برای تمام اعضای خانواده می شود. همکاری و شراکت در امور مثال عالی از مسیحیت حقیقی و تشویق دیگران فراهم می کند.

یک زن مسیحی

به وظایف و مسئولیت های یک مرد مسیحی نگاه کردیم اما زن مسیحی نیز باید نقش خود را درست ایفا کند. او باید همانگونه که کلیسا باید عاشق مسیح باشد و به او احترام بگذارد عاشق همسر خود بوده و به او احترام بگذارد. در امثال باب ۳۱، آیات ۱۰ تا ۳۱ تصویر زیبایی از "زن صالحه" داده است. او کسی است که شوهرش می تواند به او کاملاً اعتماد کند. او کسی است که "برایش تمامی روزهای عمر خود خوبی خواهد کرد و نه بدی" (آیه ۱۲). او برای خود و خانواده اش سخت کار می کند. مهربان و فهیم و خدا ترس است (آیه ۳۰) کتاب مقدس امثال زیادی از زنان با وفایی که از همسرانشان حمایت کردند و در عین حال او را رهبر می دانستند دارد. ساره به ابراهیم احترام می گذاشت او را همانند سرور خود می دانست. (اول پطرس، باب ۳، آیات ۱ تا ۶). از او اطاعت می کرد. پولس رسول نشان می دهد که چون شوهر نمایانگر مسیح است زن نمایانگر کلیسای حقیقی مسیح است و نباید نقش رهبری در ازدواج داشته باشد: "ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را" افسیسیان، باب ۵، آیه ۲۲ تیطس، باب ۲، آیه ۴ و ۵ شامل دستورات پولس در مورد زنان جوان است: "تا زنان جوان را خرد بیاموزند و شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرداندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود. از آنجایی که زندگی خانواده مسیحی با خدا شریک است مادران نقش مهمی در اهمیت به خانواده و راهنمایی و آموزش فرزندان در امور خدایی دارند البته والدین هر یک نقش خاصی در بزرگ کردن بچه ها با آموزه های الهی ایفا می کند. صحف می گوید که والدین باید "طفل را در راهی که باید برود تربیت نما و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید" (امثال، باب ۲۲، آیه ۶)



روابط جنسی خارج از ازدواج

وحدانیت جنسی خصلتی است که اجازه می دهد زن و شوهر عشق خود را به یکدیگر از طریق خاصی بیان کنند. (اول قرنتیان، باب ۷، آیه ۳ تا ۵). همچنین این امر برکتی است که توسط آن فرزندان وارد خانواده ای عاشق می شوند. خدا این هدیه را به عنوان بخشی از ازدواج خلق کرد. پس باید خالص نگهداری شده و توسط بی ایمانی فاسد نشود. (عبرانیان، باب ۱۳، آیه ۴). مناسب ترین و تنها مکان رابطه جنسی درون ازدواج است. رابطه جنسی باید تنها میان زن و شوهر اتفاق بیافتد و وقتی دو نفر با هم رابطه جنسی دارند یک تن خواهند شد. بی بند و باری در رابطه جنسی اشتباه است "آیا نمی دانید که هرکه با فاحشه پیوندد با وی یک تن باشد زیرا می گوید هر دو یک تن خواهند بود" (اول قرنتیان، باب ۶، آیه ۱۶). کتاب مقدس تمام روابط جنسی اشتباه را محکوم می کند. اول قرنتیان باب ۶، آیات ۹ و ۱۰ و ۱۸ می گویند: "فریب مخورید زیرا زانیان و متنعمان و لواط وارث ملکوت خدا نخواهند شد از زنا بگریزید هر گناهی که آدم می کند بیرون از بدن است لکن زانی در بدن خود گناه می ورزد." عهد عتیق نیز در مورد روابط جنسی غیر اخلاقی هشدار داده است. برای مثال امثال، باب ۶، آیات ۲۳ تا ۳۵ - باب ۷، آیات ۴ تا ۲۷ و تثنیه، باب ۲۲. زمانی که ایمانداران تعمید می گیرند گناهان گذشته آنها بخشیده خواهد شد. بعضی از ایمانداران قرتس گناهان اینچنینی داشتند. پولس برای آنها توضیح داد: "و بعضی از شما چنین می بودید لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما" (اول قرنتیان، باب ۶ آیه ۱۱)

خلاصه

- ۱- ازدواج رابطه ای است که خدا فراهم کرده است. به هم پیوستن یک مرد و یک زن تا آخر عمرشان.
- ۲- رابطه جنسی برکتی است از جانب خدا و تنها باید بین مرد و همسرش اتفاق بیافتد. رابطه جنسی بیرون از قالب ازدواج یا قبل از آن اشتباه است.
- ۳- یک ایماندار تعمیدی تنها باید با یک ایماندار تعمیدی ازدواج کند.
- ۴- همانگونه که مسیح عاشق ایمانداران بود مرد نیز باید همانگونه عاشق زن خود بوده و به او اهمیت دهد.
- ۵- زن باید همانند ایمانداران واقعی نسبت به کلیسا، نسبت به همسر خود عشق و احترام و پیروی نشان دهد.
- ۶- مرد و زن باید فرزندان خود را در عشق و خدمت به خدا بزرگ کنند. مرد خانواده را علی الخصوص در پرستش خدا هدایت و رهبری می کند.

آیاتی برای مطالعه:

متی، باب ۱۹، آیه ۶

باب هایی برای مطالعه:

افسیسیان، باب ۵ امثال، باب ۳۱ آیات ۱۰ تا ۳۱ - اول تیموتائوس باب ۳ کولسیان باب ۳ آیات ۱۲ تا ۲۵

